



از دست رفتن فرصت مادر شدن در سایه فقدان حمایت‌های دولت

قوانین فعلی کشور با تغییر سیاست‌های جمعیتی متناسب نیست

تصویر پس‌زمینه تلفن همراهش نوزادی دوست‌داشتنی است. هروقت سرش کمی خلوت می‌شود به سراغ تصاویر و فیلم‌های بچه‌ها می‌رود و لیخند روی لبش می‌نشیند. دیدن فیلم‌ها و تصاویر که تمام می‌شود غمی سنگین بر دلش می‌نشیند. دلش می‌خواهد

مادر شود اما نمی‌تواند؛ نه اینکه شرایط پزشکی و جسمانی‌اش را نداشته باشد، نه، شرایط اقتصادی‌شان نمی‌گذارد به مادر شدن فکر کنند. تا صاف نشدن بدهی‌های به‌پارآمده از مراسم عروسی و تهیه جهیزیه، لاقبل باید چند سال دیگر کار کند اما

آمار و ارقام رشد جمعیت و نرخ باروری آینده روشنی را برای کشور پیش‌بینی نمی‌کند. نرخ رشد باروری در بهترین حالت ۱/۸۴ است و در حال حاضر اغلب زنان جامعه ما جانشینی ندارند تا مسئولیت افزایش نسل را به عهده بگیرد و بتواند ساختار جمعیت جامعه را حفظ کند. این وضعیتی است که دنیای غرب پیش از ما تجربه کرده است و نتایج برخی کارشناسی‌ها نشان می‌دهد در جامعه‌ای که ۷۵ درصد از جمعیتش شهرنشین شده‌اند و مؤلفه‌های سبک زندگی تغییر کرده است بازگرداندن نرخ رشد جمعیت و باروری به بالای سطح جانشینی کاری سخت و حتی غیرممکن است. در غرب برای جبران انباشته‌ای که در کاهش جمعیت و از دست رفتن ساختار خانواده داشتند تسهیلات متعددی را برای خانواده‌هایی که قصد دارند فرزند داشته باشند در نظر می‌گیرند؛ از پاداش‌های مادی تا مرخصی‌های بلندمدت برای مادران و گاهی هم برای پدران! اما تغییر مؤلفه‌های سبک زندگی و برخی چالش‌های ساختار خانواده موجب شده تا خانواده‌ها فارغ از آنکه نرخ رشد جمعیت چگونه است و چه چالش‌هایی بر سر راه جامعه‌ای با رشد جمعیتی زیر سطح جانشینی نشسته است، بر سر دو تا چهار تایی زندگی خودشان هستند. در این میان بسیاری از خانواده‌ها دوست دارند فرزند داشته باشند و اغلب زنان دلشان می‌خواهد مادر شوند اما چالش‌های اقتصادی در کنار فقدان نظارت کافی وزارت کار موجب شده تا بسیاری از شرکت‌ها و کارگاه‌های خصوصی کارکنان زنشان را بر سر یک دوراهی قرار دهند؛ دوراهی اشتغال یا مادر شدن!

■غدغه‌هایی که مادری را به حاشیه می‌برد

برای آنکه درباره خانواده‌ها و زنانی که از مادر شدن چشم می‌پوشد قضاوت واقع‌بینانه‌تری داشته باشیم باید به میان آنها برویم و درد دل‌هایشان را بشنویم. زنانی که چند سالی از ازدواجشان می‌گذرد اما انگار برنامه‌ای برای مادر شدن ندارند. مهنوش یکی از این زنان است. او ۱۱ سال است ازدواج کرده اما مادر نشده است. وقتی از او دلیل این همه سال تأخیر برای مادر شدن را می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: «واقعاً شرایطش را نداریم. من و شوهرم هر دو کار می‌کنیم تا بتوانیم بدهی‌هایمان را صاف کنیم اما اگر باردار شوم در عمل کارم را از دست می‌دهم». او از ماجرای بارداری یکی از همکارانش برایم می‌گوید و می‌افزاید: «رئیس شرکت وقتی فهمید همکارم باردار است عذرش را خواست با این بهانه که نمی‌تواند تا بازگشت او از مرخصی زایمان پستش را خالی بگذارد و در صورت استخدام نیروی جدید به جای او هم نمی‌تواند با بازگشتش از مرخصی زایمان، نیروی جدید را بیرون کند».

مریم هم کارمند یک شرکت خصوصی است. چهار سال است ازدواج کرده اما نه فرزندی دارد و نه برنامه‌ای برای بچه‌دار شدن. وقتی بناست درباره علتش بگوید ابتدا کمی من و من می‌کند اما وقتی به او اطمینان می‌دهم فقط حرف‌هایش را می‌نویسم و نامی از خودش یا شرکتی که در آن کار می‌کند در میان نیست، دلیل اصلی بچه‌دار نشدنش را ترس از دست دادن شغلش عنوان می‌کند.

آطور که مریم می‌گوید شرکت با آنها قرارداد می‌بندد اما نسخه‌ای به دستشان نمی‌دهد تا بتوانند به‌طور قانونی پیگیر کارشان شوند. مریم تأکید می‌کند: «مدت قراردادهای ما بین شش ماه تا یک سال است و به این ترتیب با احتساب ۹ ماهه دوران بارداری در عمل قرارداد ما با شرکت به اتمام می‌رسد و بعد از آن هم معمولاً با خانم‌هایی که فرزند شیرخوار دارند قرارداد‌های می‌بندند و ما هم چون قراردادی در دست نداریم دستمان به هیچ جا بند نیست».

■ زنان کارگر بدون قرارداد و بدون بیمه

اگر سراغ زنان کارگر شاغل در کارگاه‌های کوچک و بعضاً زیرزمینی بروید، وضعیتشان به‌مراتب از کارمندان شاغل در بخش خصوصی

بدتر است. اغلب این کارگران زن از حداقل امکانات هم برخوردار نیستند؛ نه حقوق مناسب، نه بیمه و نه کار کردن تحت قانون وزارت کار! این زنان برای فرزندآوری هم چالش‌های بیشتری دارند و به‌واسطه اینکه اغلب اوقات کارشان جسمی است ناگزیرند زودتر از دنیای کار خداحافظی کنند و خانه‌نشین شوند؛ اما خانه‌نشینی کسانی که حاضرند با این شرایط سخت به کار‌های سخت تن در دهند اوضاع اقتصادی‌شان را در تنگنای بیشتری قرار می‌دهد. سمیه ۲۸ ساله است و هشت سال از ازدواجش می‌گذرد. همسرش هم کارگر تراشکاری است. او به همراه سه نفر دیگر در یک کارگاه سبزی پاک می‌کنند و سرخط سخت به کار‌ها می‌دهم؛ از سوی دیگر کارگاه بادمجان برای مشتری‌ها تهیه می‌کنند. نه قراردادی دارد و نه حتی طبق قانون وزارت کار حقوق می‌گیرد. وقتی حرف بچه به میان می‌آید، می‌گوید: «از صبح تا شب سر کارم و چون کارم پدی است اگر باردار شوم نمی‌توانم کارم را ادامه دهم؛ از سوی دیگر کارگاه ما کارگاهی کوچک و زیرزمینی است و قراردادی نداریم تا لاقبل از مزایای مرخصی زایمان یا بیمه بیکاری برخوردار شوم. به همین خاطر هم فعلاً نمی‌توانم فکر بچه را بکنم.»

وقتی صحبت‌های این زنان را می‌شنویم بهتر متوجه می‌شویم که تغییر سیاست‌های کشور در برابر جمعیت و فرزندآوری نیازمند تغییر در قوانین و فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم است؛ اتفاقی که کمتر در قوانین ما مورد توجه قرار گرفته و تلاش‌ها برای اصلاح قوانین موجود نیز چندان با موفقیت همراه نبوده است.

■ سیاستگذاری‌های کاغذی برای افزایش جمعیت

بند سوم سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی سال ۹۲، بر اختصاص

تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهاده‌ها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط تأکید دارد تا از این رهگذر با کمک به زنانی که می‌خواهند مادر شوند، اهداف سیاست‌های جمعیتی کشور هم محقق شود.

پیش از این نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی سیاست‌های جمعیتی را تدوین و تصویب کرد که در پندهای گوناگون آن به ارائه تسهیلات برای مادران شاغل توجه ویژه‌ای شده بود اما تمام این مصوبات با وجود مهر تأیید مجلس و تبدیل به قانون روی کاغذ باقی ماند. درنهایت هم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بخشنامه‌ای را برای ممنوعیت اخراج زنان کارگر در زمان مرخصی زایمان و دوران شیردهی تا پایان دوسالگی کودک صادر و ابلاغ کرد.

■ ماجرای بخشنامه‌ای که الزام‌آور نیست

۱۹ خردادماه ۱۳۹۲، اسماعیل ظریفی آزاد مدیرکل روابط کار و جبران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طی بخشنامه‌ای اخراج زنان کارگر در زمان مرخصی زایمان و دوران شیردهی تا پایان دوسالگی کودک را به هر عنوان ممنوع و آن را به اداره‌های کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ کرد.

به دنبال صدور این بخشنامه، مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در تاریخ ۱۹ خرداد سال ۹۲ طی دستورالعملی به شماره ۴۹۵۱۷ به مدیران کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان‌ها اعلام کرد: با عنایت به بند سوم سیاست‌های جمعیتی ابلاغی مقام معظم رهبری و بند سوم بخشنامه شماره ۲۸۶۱۳ مورخ ۲۱ اردیبهشت سال ۹۲ مقام عالی وزارت با موضوع اجرای سیاست‌های جمعیتی مذکور و در راستای اجرای تبصره دوم ماده سوم قانون ترویج تغذیه با شیر مادر مصوب ۱۳۷۴ مبنی بر تأمین امنیت شغلی مادران، پس از پایان مرخصی زایمان و در حین شیردهی و ماده پنج آیین‌نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر اصلاحی سال ۱۳۸۲ تغییر شغل و نقل و انتقال مادران در ایام شیردهی را جز با رضایت خودشان ممنوع دانسته است.

طبق این بخشنامه، زنان کارگر دارای قرارداد کار موقت شاغل در کارهای ماهیتاً مستمر چنانچه تاریخ اتمام قرارداد کار مدت موقت یا ایام مرخصی زایمان و دوران شیردهی وی تلافی‌یابد تاریخ خاتمه قرارداد کار به پس از ایام شیردهی انتقال خواهد یافت. به عبارت دیگر مدت قرارداد این قبیل کارگران تا میزان باقی‌مانده از ایام شیردهی افزایش خواهد یافت.

■ شاکی خصوصی برای بخشنامه‌ای عمومی!

در پی این بخشنامه، یک شاکی خصوصی به نام احسان امین‌فر

به هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شکایت برد و آن را خلاف موازین قانونی دانست. وی این بخشنامه را برخلاف ماده‌های ۲۷ و ۱۵۷ قانون کار دانست که پیامدش حذف گام‌به‌گام کارگران زن از محیط‌های کاری و تولیدی خواهد شد.

استدلال وی برای این شکایت هم سیاست‌های کلی جمعیت بود. در این شکوائیه با تأکید بر بند سوم سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، آمده است: «در این پند اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهاده‌ها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط پیش‌بینی شده که با برداشت غلط از فرمایشات مقام معظم رهبری باعث گرفتاری زانداوصف مادران شیرده شده و ادامه کار مادران شیرده باعث می‌شود مبالغ هنگفتی بابت نگهداری فرزندان شیرخوار به مهدهای کودک پرداخت شود تا از کودکان نگهداری کنند اما در هیچ‌یک از مهدهای کودک سراسر ایران مربی دلسوز مانند مادر برای کودک پیدا نخواهد شد و هیچگاه کودک لذت نوازش مادر را در حواس‌ترین دوران نخواهد چشید.» بنا به تصریح شاکی در دو سال تلاش، مادران بهترین مراقبان برای کودک‌شان هستند.

درنهایت هم، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری پس از بحث و بررسی و اکثریت آرا اعلام کرد: «نظر به اینکه پیش از این هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح دادنامه شماره ۴۸۲ مورخ ۲۴ مرداد سال ۱۳۹۶، دستورالعمل شماره ۴۹۵۱۷ مورخ ۱۹ خرداد سال ۹۲ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از حدود اختیارات ابطال کرده است، بنابراین موجهی جهت طرح و رسیدگی مجدد به خواستار ابطال بند ۲ دستورالعمل یاد شده وجود ندارد و موضوع شکایت شاکی در این قسمت، مشمول مدلول دادنامه فوق‌الذکر است و قابل طرح مجدد در هیئت عمومی نیست.»

در ادامه این رأی آمده است: «مطابق بند یک ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، رسیدگی به شکایات، تقاضات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیت‌ها و وظایف هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه بند ۳ بخشنامه شماره ۲۸۶۱۳ مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی متضمن قاعده الزام‌آوری نیست و جنبه ارشادی دارد، بنابراین قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

■ حکم بازگشت به کاری که الزامی نیست!

بر این اساس طبق قانون فعلی اگر مادر باردار قرارداد کار موقت دارد که پایان آن در زمان مرخصی زایمان است، مدت مرخصی زایمان به مدت قرارداد اضافه خواهد شد و پس از پایان مدت مرخصی، فرد باید به سر کار خود بازگردد. اما طبق بخشنامه ممنوعیت اخراج زنان باردار و مادران شیرده اگر به هر دلیل محل کار از پذیرش دوباره کارگر زن بعد از مرخصی زایمان سر باز زد شخص می‌تواند به اداره کار شکایت کند و حکم بازگشت به کار بگیرد، اما از آنجا که بخشنامه ممنوعیت اخراج مادران باردار و زنانی که به فرزندان خود شیر می‌دهند جنبه ارشادی دارد، کارفرما می‌تواند از پذیرش حکم بازگشت به کار امتناع کند. در این صورت بیمه شده می‌تواند از مزایای بیمه بیکاری استفاده کند و مطابق قانون برای مدت بیکاری فرد دستمزد بیکاری پرداخت خواهد شد.

سرمایه‌گذاری برای تحقق کرامت زنان

بازخوانی سخنان رهبر معظم انقلاب در موضوع زن و خانواده الگوی زن ایرانی اسلامی را به‌عنوان الگوی سوم زن نه شرقی نه غربی معرفی می‌کند؛ الگویی که می‌تواند در راستای این مسئله که «مادر موضوع زن از غرب طلبکاریم» به کار گرفته شده و گفتمان انقلاب اسلامی را پیرامون مسئله زنان و خانواده به گفتمانی



جهانی تبدیل کند.

اما آیا الگوی معرفی شده از زن در انقلاب اسلامی امکان تحقق در سطح جهانی را دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت قطع به یقین این الگو امکان تحقق دار، مشروط بر اینکه موانع داخلی از بین برود و عزم حداقلی برای معرفی الگوی انقلاب اسلامی وجود داشته باشد. فرهنگ و تمدن غرب در حوزه زنان رو به سراسیمبی است. وقتی بحث‌های مردارگی زنان، برابری جنسیتی و تقلیل زن به جنس زن را در ساختارها داریم به‌طور یقین گفتمانی که دال مرکزی خود را کرامت و عزت تعریف می‌کند و نخستین خط قرمز آن نگاه فراتر از جنسیت به زن است، هر زنی را در هر نقطه از عالم با هر مشربه فکری جذب می‌کند، اما در داخل کشور دغدغه‌مندی نسبت به آن وجود نداشته است.

■ دوری زنان از الگوی زن تراز انقلاب

برای آسیب‌شناسی این موضوع هم لازم است نگاهی به دوران ۴۰ ساله انقلاب داشته باشیم. از دولت سازندگی به بعد قطاری را که حضرت اسام در حوزه زن و خانواده در ریل خودش تنظیم کرده و در حال حرکت در خط مستقیم بود از ریل خارج کردند، در دوره ثبات جمهوری اسلامی ایران و وقتی که ما در حال تبدیل ساختار‌ها به ساختارسازی بودیم، دولت دغدغه‌شان توسعه می‌شود و با نگاه غربی به آموزش و اشتغال زنان مفهوم توسعه دال مرکزی خود می‌کند. با طراحی نظام آموزش عالی، زنان ملزم شدند وارد این سیستم شوند و با تحصیلات عالیه مطالبه‌ای جدید به نام اشتغال داشته باشند، اما فضای اشتغال ما بدتر از آموزش است و ساختارهای اجتماعی جامعه ایران زنان را وادار به ورود به عرصه‌ای از اشتغال می‌کند که عموماً به عنوان جنس دوم مطرح هستند و اکثر زنان شاغل در کشور ما در شغل‌های ثانویه خدماتی و دست چندان به خدمت گرفته می‌شوند و اشتغال آنها در جامعه، اغلب با نماندها و نشانه‌های غربی تعریف می‌شود.

■ گرفتن کرامت از زن خانه‌دار

بعد از ۴۰ سال از انقلاب باید دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت و نهادهای سیاستگذار ما مانند قوه مقننه و شورای عالی انقلاب فرهنگی جوابگو باشند که چه سیاست کلان، چه قانون متقنی و چه عملکرد جمعی در حوزه زنان داشته‌اند تا الگوی زن ایرانی انقلابی را محقق کنند؟ در این میان تنها برنامه‌هایی تعریف شد که کاملاً منطبق بر اهداف خودشان بود و این مسئله به تفاوت قرائت‌ها بازمی‌گردد. بحث اشتغال زنان در جامعه امروز ما بحثی بسیار مسئله‌مند و دردآور است؛ چراکه با سبوری شدن ۴۰ سال از انقلاب زانی را داریم که مجبورند در این ساختار اشتغال وارد شوند. این در حالی است که چرا باید زن در انقلاب اسلامی به جایی برسد که مجبور باشد کار کند؟ بیمه زنان خانه‌دار پس از سال‌ها بحث و کشمکش هیچ جایگاهی ندارد و تئور بیسمن‌های ما در بحث اقتصاد مقاومتی از اهمیت حضور زنان در حوزه خانواده بگویند و مشخص شود، حضور زن در خانه چقدر در راستای خدمت به اقتصاد مقاومتی است تا زنان خانه‌دار را از آسیب مصرف‌گرایی و سبک زندگی غربی خارج کنیم و به زنان خانه‌دارمان کرامت بدهیم تا متوجه شوند اثر گذارند و در حوزه اقتصاد نقش‌آفرین باشند، دارند، حتی اگر نخواهند در ساختار اشتغال موجود قرار بگیرند. در نهایت رجال، سیاستگذاران و حتی خاتم‌هایی که در عرصه سیاستگذاری، قانونگذاری و اجرایی در رأس بودند زنی را ترسیم کردند که تحصیل‌کرده، شاغل و توسعه‌گراست. اما وقتی آموزش طوری طراحی می‌شود که هیچ نیسیتی با اقتضانات و ظرافت‌های روحی زن ندارد و از آن بدتر زنان را وارد اشتغالی می‌کنیم که به اقتضانات زن بودن ضربه می‌زند و او را از اولویت‌هایش خارج می‌کند و در پارادایم دیگری می‌نشاند. این انتزاع موجب می‌شود ما بتوانیم الگوی سوم زن نه شرقی نه غربی را در داخل کشور محقق کنیم و زیست زنان کشورمان فضایی غربی با محورهای جوامع توسعه‌یافته و نظام سرمایه‌داری است و به دلیل مصرف‌کنندگی بیشترین خدمات را به‌نظام سرمایه‌داری می‌دهد. مصداق این ماجرا را هم می‌توان در رتبه‌داری زنان ایرانی در مصرف لوازم آرایشی یا وقتی روزی سه نفر زیر عمل جراحی زیبایی فوت می‌کنند، اما دوباره زنان ما به این کار تن می‌دهند، به عینه دید.

■ باید برای تحقق کرامت زن هزینه کرد

سخنی کارم را در این است که ساختارهای کنونی زیر بار این نمی‌روند که باید برای تحقق کرامت و نقش‌آفرینی زن هزینه کند و حضور اجتماعی وی را در قالب رعایت ملاحظات زن بودن پذیرد. دولت‌ها دنبال هزینه کردن نیستند و متأسفانه در حوزه قانونگذاری نیز فهم قانونگذاران ما در حوزه زنان و خانواده فهمی اقتباس شده از عملکرد زن غربی است و به همین خاطر به دنبال سهم‌خواهی از قدرت هستند و اینکه ما چند صدنلی متعلق به زنان داشته باشیم. بحث‌های احقاق حقوق زنان در ذیل بیانیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد. این مسئله بدین خاطر است که الگوی برخی سیاستگذاران ما، الگوی نوشته شده در این اسناد غربی است و حالا به دنبال قانونی کردن و اعمال آنها در لایه‌های کلان هستند. بر این اساس است که زنان باید خودشان مطالبه بازگشت به داشته‌ها و بازگشت به زن ایده‌آل انقلاب اسلامی را داشته باشند. زنان باید بخواهند تا ساختار‌ها خودشان را با زن ایده‌آل انقلاب اسلامی بازسازی کنند، اما عموماً زنانی که در عرصه سیاستگذاری مسئولیتی به عهده دارند کمتر دنبال احیای ر و انقلاب در حوزه زنان هستند. صدای اقلیت زن‌ها، نخبه‌ای که اتصال ساختاری ندارند، می‌توانند به واسطه حریت خودشان فریاد برندند که جامعه زنان نیازمند مطالبه شدید و قوی برای احیا و تحقق ایده‌آل الگوی سوم زن انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی در موضوع زن است، اما آنچه امروز شاهد ان هستیم این است که گفتمان زن در انقلاب اسلامی و آنچه امام(ره) گفته‌اند و مقام معظم رهبری بر آن تأکید داشته‌اند با آنچه آنها اجرایی کرده‌اند بسیار فاصله دارد. اگر این اتفاق رخ دهد گفتمان انقلاب اسلامی در موضوع زن قابلیت جهانی شدن و جذب حداکثری را خواهد داشت.

■ دکترای سیاستگذاری فرهنگی